

خوانش محمد شحرور درباره دریافت کنندگان زکات بر اساس هرمنوتیک گادامر

* فاطمه علایی رحمانی

** فرشته معتمد لنگرودی

DOI: 10.22096/RC.2024.2014302.1154

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵]

چکیده

بر مبنای نظریه هرمنوتیک گادامر، فهم انسانی همواره متأثر از تاریخ شکل می‌گیرد. محمد شحرور نواندیش معاصر اهل سوریه با تأسی از نظریه تاریخی‌نگری در فهم متون دینی، آموزه‌های اسلام را بازخوانی کرده است. این مقاله با رویکرد توصیفی و تحلیل محتوا و با مرور ادبیات هرمنوتیک گادامر به تحلیل اندیشه‌های شحرور درباره طبقه‌بندی مستحقین زکات بر اساس خوانش وی از آیه ۶۰ سوره توبه می‌پردازد. یافته‌های پژوهش مبتنی بر آن است که شحرور با نگرش انتقادی به دیدگاه فقهای اسلامی درباره دریافت کنندگان زکات، تنها چهار طبقه را برای مستحقین زکات نام برده است: فقیر، مسکین، غارمین و ابن‌سبیل. وی با رویکردی علمی-تاریخی، معنای فقیر را به یتیمان، مسکین را شامل افراد دارای نیازهای خاص، غارمین را شامل بدهی پرداخت دیه برای قتل ناروا و ابن‌سبیل را به کسی که در مسافرت ضرر می‌کند، گسترش داده است. این خوانش وی، محصول رهیافت علمی-تاریخی اوست که در مسکو تحت تأثیر منطق رایج آن زمان که به ساختارگرایی روسی مشهور است، قرار داشت. همچنین وی از استاد زبان‌شناسی خود، جعفر دک‌الباب تأثیر پذیرفت.

واژگان کلیدی: محمد شحرور؛ مستحقین زکات؛ هرمنوتیک گادامر؛ ساختارگرایی روسی.

* دانشیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: f.alae@alzahra.ac.ir

** پژوهشگر پسادکتری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

Email: f.motamad@alzahra.ac.ir



۱- بیان مسئله

فقها زکات واجب را مطابق آیه ۶۰ سوره توبه برای هشت طبقه معرفی کرده‌اند: فقیران، مسکینان، عاملان گردآوری زکات، تألیف قلوب، آزادکردن برده‌ها، بدهکاران، سبیل الله و درراه‌مانده‌ها.^۱ اندیشه محمد شحرور در مورد طبقات مستحقین زکات با نظر اکثر فقهای اسلامی متفاوت است. وی از دانشمندان کلاسیک و نواندیشان عقل‌گرای اهل سنت است که به تفسیر متنی برخلاف صراحت آیه ۶۰ سوره توبه تمایل دارد. شحرور استدلال کرده که تفسیر کلاسیک این آیه به دلیل تفاوت شرایط معاصر با زمان نزول آیه، نیازمند بازنگری است.^۲ این نظر وی در *الکتاب و القرآن: قراءه معاصره* بیان شده که دیدگاه خود را بدون مقایسه با آثار سایر فقها و مفسران ارائه می‌دهد.

هرچند بحث در مورد مستحقین زکات بحث جدیدی نیست، مفسران کلاسیک در مورد وجود هشت طبقه مستحق زکات نظرات مختلفی دارند. حداقل سه طبقه وجود دارد که درباره مقام آنها بحث می‌شود: «عامل» و «مؤلفه» و «رقاب». علاوه بر این، در مورد اختلاف معنای طبقات مستحقین زکات نیز استدلال می‌کنند. برای مثال، طبری در معنای واژه‌های «فقیر» و «مسکین» حداقل پنج نظر مختلف را بیان کرده است. فقیر فردی است که در بین نیازمندان معلول است، درحالی‌که مسکین فردی سالم است. فقیر گروهی از فقرای مهاجرین است و مسکین آن گروه مسلمانی است که هجرت نکرده و از نیازمندان است. به قول عمر، مسکین در میان ما بد بخت است. در نهایت، فقیر گروه مسلمانان و مسکین اهل کتاب هستند.^۳ قرطبی در *الجامع لأحكام القرآن*، نه نظر از فقهای اسلامی را ذکر کرده است که از واژه‌های «فقیر» و «مسکین» برداشت‌های متفاوتی داشته‌اند.^۴ از مفسران معاصر، علامه طباطبایی در مورد معنای فقیر و مسکین چنین می‌نویسد: «فقیر کسی است که تنها متّصف به امر عدمی است و مالی ندارد که نیازهای زندگی‌اش را برآورد - در مقابل غنی که متّصف به امر وجودی یعنی دارایی و تمکّن است - اما مسکین افزون بر امر عدمی (نداری) دچار ذلّت و مسکنت نیز است و این زمانی است که فقرش به اندازه‌ای برسد که او را خوار سازد؛ به این صورت که وادار شود از آبروی خود مایه گذارد؛ از این رو، وضع او بدتر از فقیر است».^۵

۱. وهبه زحیلی. *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، جلد ۲ (بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸)، ۸۶۷.

۲. محمد شحرور، *الکتاب و القرآن قراءه معاصره* (دمشق: الأهالی للطباعة و النشر و التوزیع، ۲۰۰۶)، ۴۸۵.

۳. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۱۰ (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲)، ۱۱۰.

۴. محمد بن احمد قرطبی، *الجامع لأحكام القرآن*، جلد ۸ (تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴)، ۱۶۸.

۵. محمد حسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۹ (قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷)، ۳۱۰-۳۱۱.

بدون تردید مراجعه به دیدگاه نواندیشان و ارزیابی آنها در حوزه مسائل فروع دین چون زکات، سزاوار تأمل فراوان است. همچنین حضور شحرور در زمره ایده‌پردازان گرایش‌های نواعترالی معاصر، زمینه‌ساز توجه محققان به آثار وی شده است. محققان داخلی درباره مبانی فکری شحرور و برخی دیدگاه‌های وی در حوزه چندمسیری، عصمت انبیا و گستره سنت پیامبر ﷺ مقالاتی را نگاشته‌اند که در سایت نورمگز قابل ملاحظه است. برخی محققان بین‌المللی نیز به تحلیل کتاب *الكتاب و القرآن قراءة معاصرة* به‌طور خاص پرداخته‌اند: عمران در کتاب *القراءة المعاصرة للقرآن فی المیزان و عفانه* در کتاب *القرآن و أوام القراءه المعاصره*. کریستن در مقاله‌ای با عنوان «شکل ماندگار است، اما محتوا حرکت می‌کند: متن قرآنی و تفسیرهای آن در *الكتاب و القرآن محمد شحرور*» روش شحرور در درک قرآن و روایات نبوی را به‌طور کلی بررسی کرده است.^۶ بدین ترتیب، در مورد شحرور و اندیشه‌های او در مورد طبقه‌بندی مستحقین زکات، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و این پژوهش در نوع خود بدیع است.

شحرور با نگرشی مشابه هرمنوتیک و با استفاده از اصولی چون تمایز دین با معرفت دینی و تاریخی‌نگری به خوانش از قرآن و روایات نبوی پرداخت.^۷ از این رو، این مقاله با استفاده از رویکرد هرمنوتیک گادامر و مؤلفه‌های آن به بررسی خوانش شحرور از آیه ۶۰ سوره توبه می‌پردازد.

هرمنوتیک فلسفی گادامر را می‌توان در چهار اصل مرتبط به هم توضیح داد: آگاهی متأثر از تاریخ (تاریخی‌نگری)، پیش‌فهم، آمیختگی افق‌ها، دایره هرمنوتیکی و کاربرد آن. تاریخی‌نگری توسط هایدگر و پس از او گادامر بیان شد. مطابق این دیدگاه تاریخیّت به ذات وجود و فهم انسانی سرایت کرد و بر این اساس سنت و تاریخ و پیشینه هر کس حیث وجودی و تفکیک‌ناپذیر او و تاریخ‌مندی ذاتی انسان و فهم او شد.^۸ گادامر در رویکرد هرمنوتیک فلسفی با نام‌تعیّن دانستن معنای متن، آن را ایجادشده و تعین‌یافته از فهم مفسّر، مستقل از آگاهی مؤلف و متن می‌داند که در ارتباط با فهم مفسّر ایجاد می‌گردد.^۹ بر این اساس پیش‌فهم مفسّر در تفسیر یک

6. Andreas Christmann, "The Form Is Permanent, but the Content Moves: The Qur'anic Text and Its Interpretation(s) in Mohamad Shahrour's Al-Kitab Wa 'l Qur'an," *Die Welt des Islams* 43, Issue 2 (2003): 144.

۷. فرشته معتمد لنگرودی و فتحیه فتاحی‌زاده، «ارزیابی دیدگاه محمد شحرور در مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، ۲۵، شماره ۹۴ (بهار ۱۳۹۹): ۴۵-۶۶.

۸. احمد واعظی، *درآمدی بر هرمنوتیک* (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵)، ۱۷۶.

9. David, Weberman, "A New Defense of Gadamer's Hermeneutics," *Philosophy and Phenomenological Review* 60, no.1 (2000): 45.

متن نقشی مهم دارد. گادامر منشأ وجود معانی متفاوت از متن را حیات ذهنی هر فردی می‌داند که با حیات ذهنی فردی دیگر متفاوت است. این رویکرد روان‌شناختی از معنا یک نظریه تجربی نیست و نمی‌توان آن را با آزمون تجربی باطل کرد؛ زیرا هیچ کس نمی‌تواند به معنایی که در ذهن دیگری است، دست یابد و از تفاوت معنایی آگاه شود.^{۱۰} گادامر بر این عقیده است که ذهن مفسر یا شخص تأویل‌کننده هنگام قرائت متن مشحون از عقاید، معلومات، انتظارات، مفروضات، سؤالات و پیش‌فرض‌هاست. این عناصر افق یا منظر قرائت‌کننده و مفسر را تشکیل می‌دهند.^{۱۱} بنابراین حصول فهم حقیقی از نظر گادامر حاصل امتزاج افق معنایی متن و مفسر است که از طریق گفت‌وگوی هرمنوتیک میان مفسر و متن حاصل می‌شود.^{۱۲} در واقع، وی فهمی را حقیقی می‌داند که در آن به نحو توأمان به هر دو زبان گذشته و حال توجه گردد، بدون آنکه توجه به یکی، توجه به دیگری را تحت‌الشعاع قرار دهد. گادامر در این باره می‌نویسد: «امتزاج یا ذوب‌شدن همزمان دو افق زبانی گذشته و حال است که فهم درست را شکل می‌دهد».^{۱۳} گادامر فهم متفاوت را به جای فهم برتر برمی‌گزیند و معتقد است از آنجا که هر فهم و تفسیری از جانب هر کس که باشد متأثر از پیش‌داوری‌ها و سنت او و در نهایت نشئت‌گرفته از امتزاج افق‌هاست، دیگر نمی‌توان میان تفسیرها داوری ارزش کرد.^{۱۴} از این رو، تفسیر فرآیندی تاریخی است و صرف تکرار گذشته نیست، بلکه در معنایی حاضر و موجود مشارکت‌کردن است و تصویریگانه تفسیر صحیح، گمانی باطل است.^{۱۵}

داده‌های این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ابتدا، نویسندگان داده‌های موجود در این کتاب را درباره دیدگاه شحرور از مستحقین زکات بیان کرده‌اند. سپس این داده‌ها را روش‌شناسی کرده و به‌طور کیفی داده‌های طبقه‌بندی شده را با استفاده از اصول نظریه هرمنوتیک گادامر مورد بررسی قرار داده‌اند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: دیدگاه شحرور درباره طبقه‌بندی مستحقین زکات چیست؟ مطابق

10. Eric Donald Hirsch, *Validity in Interpretation* (New Haven and London, Yale University, 1967), 32.

11. Puolakka Kalle, *Reconsidering Relativism and Intentionalism in Interpretation* (Helsinki: University of Helsinki, 2009), 76.

12. واعظی، درآمدی بر هرمنوتیک، ۲۶۵.

13. Hans-Georg Gadamer, *Truth and Method*, trans. Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall (New York: Continuum, 1994), 370.

۱۴. محمد عرب صالحی، فهم در دام تاریخی‌نگری؛ گادامر و تاریخ‌مندی فهم (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹)، ۲۰۵.

۱۵. عرب صالحی، فهم در دام تاریخی‌نگری؛ گادامر و تاریخ‌مندی فهم، ۲۰۶.

خوانش محمد شحرور درباره دریافت‌کنندگان زکات ... / علایی رحمانی و معتمد لنگرودی ۱۳۱

هرمنوتیک فلسفی گادامر معیارهای شحرور در فهم مستحقین زکات چگونه ارزیابی می‌شود؟

۲- مستحقین زکات از دیدگاه محمد شحرور

تفسیر محمد شحرور از آیه ۶۰ سوره توبه را می‌توان در کتاب *الكتاب و القرآن؛ قراءة معاصرة* او یافت که در صفحات مشخص بیان شده است. وی در کتاب خود توضیح داد که شخصی از او پرسید اگر کل درآمد ملی در دست دولت باشد آیا زکات را می‌تواند لغو کند؟ او پاسخ داد: خیر. این کار دو دلیل دارد: اولاً، زکات در سطح فردی حذف نمی‌شود؛ زیرا درآمد برابری بین افراد وجود ندارد و تفکر در این زمینه بیهوده است. ثانیاً، اگر به طبقات مستحقین زکات توجه شود، جای تردید است که جامعه به هر شکل و نظامی بتواند زکات را به‌طور کلی لغو کند. در توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه، برخی از طبقات مستحقین دریافت زکات ممکن است لغو شوند، همان‌طور که خلیفه عمر بن خطاب طبقه «تألیف قلوب» را به‌عنوان مستحق دریافت زکات حذف کرد. یکی از عوامل این امر عدم تعادل درآمد دولت در آن زمان بود.^{۱۶}

شحرور پس از این بیان چهار طبقه را برای دریافت زکات معرفی کرده و معتقد است چهار طبقه هستند که حق دریافت زکات آنها در هیچ جامعه‌ای لغو نمی‌شود: گروه نخست فقرا و مساکین هستند. قرآن به‌وضوح فقیر و مسکین را که دو نوع مستحق دریافت زکات هستند، معرفی کرده و میان آن دو تفاوت قائل شده است. بر اساس تحلیل لغوی، کلمه «الفقیر» از ماده «فقر» که در عربی به معنای شکستن چیزی از عضوی یا غیر آن است و از این ماده کلمه «العمود الفقری» به معنای ستون فقرات اشتقاق یافته است. بنابراین فقیر در لغت کسی است که ستون فقرات او شکسته و قدرت قیام ندارد و به تهیدست بدان سبب فقیر گفته می‌شود که مانند کسی است که ستون فقراتش شکسته و قدرت قیام و مقاومت ندارد (زیرا مال جنبه قوام دارد و در حکم ستون فقرات جامعه است)، اما این شخص لازم نیست مسکین باشد. اصطلاح فقیر با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی مکان و زمانی که در آن زندگی می‌کنیم، اصطلاحی توسعه‌یافته است.^{۱۷} از این رو، شحرور به فهم اصطلاح فقیر که در ادوار گذشته توسط فقها وضع شده است، پایبند نیست؛ زیرا معتقد است با داده‌های معاصر سازگار نیست و اصطلاح فقیر را باید با توجه به شرایط عینی که در آن زندگی می‌شود، تعریف کرد، نه بر اساس شرایطی که فقهای قبل زندگی می‌کردند. برای مثال، یتیمانی که نان‌آور ندارند را

۱۶. شحرور، *الكتاب و القرآن قراءة معاصرة*، ۴۸۷.

۱۷. شحرور، *الكتاب و القرآن قراءة معاصرة*، ۴۸۶-۴۸۷.

می‌توان در زمره فقرا قرار داد و از زکات آنها در «مؤسسات نگهداری از یتیمان» هزینه کرد.^{۱۸} از نظر ریشه‌شناسی، «مسکین» از ماده «سکن» و کلمات «سکون» و «مسکن» از این ماده اشتقاق یافته است. مسکن به معنای جایی است که انسان در آن ساکن می‌شود و آرامش می‌گیرد. شحرور با عدول از این معنا، «مسکین» را به عنوان فردی تعریف کرد که توانایی اش محدود است؛ مانند نابینا، لال، ناشنوا، افراد دارای ذهن ضعیف (احمق) یا افرادی که یکی از عملکردهای اندام خود را از دست داده‌اند (افراد دارای معلولیت). همه این افراد در طبقه مسکین قرار می‌گیرند. سپس شحرور توضیح می‌دهد که امکان «فقیر» شدن افراد وجود دارد؛ اما «مسکین» نمی‌شوند یا «مسکین» می‌شوند، اما «فقیر» نمی‌شوند. سپس شحرور می‌نویسد: «ممکن است سؤال‌کننده بپرسد: اگر شخصی مسکین است و فقیر نیست، چرا باید به او کمک کنیم؟ پاسخ این است که چگونه نابینایان می‌توانند مدرسی برای آموزش ایجاد کنند و خود را به مهارت‌های مختلف برای زندگی در جامعه بدون کمک از دیگران مجهز کنند. بنابراین همه نهادها و بنیادهایی که با افراد با نیازهای ویژه سروکار دارند، مستحق دریافت کمک مالی از زکات هستند».^{۱۹}

با این حال، شحرور تأکید کرد که توزیع زکات به این دو صنف یعنی فقیر و مسکین باید به بنیاد حاکمیت (سازمان‌های امداد اسلامی در هر کشور) داده شود و به افراد هر یک از این طبقات زکات داده نمی‌شود؛ زیرا ممکن است برخی یتیمان یا افراد با نیازهای خاص ثروتمند باشند و نیازی به زکات نداشته باشند.^{۲۰} افراد بر اساس شناخت شخصی به افراد یتیم زکات پرداخت می‌کنند. این سخن شحرور بدین مقصود است که دامنه شناخت حکومت نسبت به افراد یتیم بیشتر بوده و مواردی که نیاز بیشتر را دارند را بهتر تشخیص و شناسایی می‌کنند.

طبقه سوم «غارمین» یعنی بدهکاران هستند. شحرور این طبقه را افرادی که بدهکار هستند و قادر به پرداخت آن نیستند، مانند بدهی برای پرداخت جریمه قتل ناروا تعریف کرده است و معتقد است باید مفهوم «غریم» را با توجه به شرایط دوره معاصر تعریف کرد.^{۲۱} در اسلام قتل به دو دسته تقسیم شده است: ۱. قتل موجه مانند کشتن مرتدان و قتل برای

۱۸. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۷.

۱۹. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۷.

۲۰. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۷.

۲۱. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۷.

خوانش محمد شحرور درباره دریافت کنندگان زکات ... / علایی رحمانی و معتمد لنگرودی ۱۳۳

قصاص (قانون قصاص). ۲. قتل ناروا که کشتن ممنوع است.^{۲۲}

آخرین طبقه ابن سبیل است. شحرور به طور مختصر و کلی این طبقه را افرادی تعریف می‌کند که مثلاً با راهزنی یا دزدی در سفر ضرر می‌کنند.^{۲۳} بنابراین «ابن سبیل» اشاره به مسافر دارد. شحرور در توصیف این طبقه توضیحی در مقوله ابن سبیل نداده است و معتقد است که اصطلاح ابن سبیل یک معنای عام دارد که به مسافر اشاره دارد. شحرور با برداشت ذوقی از آیه معتقد است، این طبقه همیشه در نظام اقتصادی هر چه باشد، سهمی دارد.^{۲۴}

شحرور پس از معرفی این چهار گروه از طبقات مستحقین زکات، تصریح می‌دارد که ذکر این موارد بدان سبب است که هیچ جامعه‌ای از افراد فقیر، افراد معلول، بدهکار و ابن سبیل خالی نیست. سپس به مجتهدان معاصر هشدار می‌دهد که باید در نصاب زکات و اینکه به چه کسانی زکات پرداخت می‌شود، تجدیدنظر کنند و روش‌های جمع‌آوری را تعریف کنند و فقط به فقه قدیم بسنده نکنند، زیرا شرایط اقتصادی و مقتضیات زندگی عصر حاضر و مناسبات تولیدی با دورانی که فقهای قدیم در آن می‌زیسته‌اند، کاملاً متفاوت شده است.^{۲۵}

۳- روش‌شناسی فهم شحرور از آیه ۶۰ سوره توبه

شحرور با خوانشی ذوقی از آیه ۶۰ سوره توبه، بدون هیچ توجیهی مصادیق دریافت کنندگان زکات را از هشت طبقه به چهار طبقه تقلیل داده است. درحالی که مصادیق دریافت کنندگان زکات بر اساس آیه شامل کارگزاران جمع‌آوری زکات (وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا)، کسانی که باید تألیف قلوب آنها کرد (وَأَلْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبِهِمْ)، آزادی بردگان (وَفِي الرِّقَابِ) و در راه خدا (یعنی در راه تبلیغ و رواج دین خدا) (وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ) نیز می‌شود که شحرور تمامی این موارد را در خوانش خود از دریافت کنندگان زکات حذف و نادیده گرفته است.

اینکه شحرور معتقد است مصادیق مسکین و فقیر را باید مطابق شرایط عصر حاضر تفسیر کرد، برداشتی کاملاً ذوقی است، زیرا در صدر اسلام هم انسان‌های نابینا و ناشنوا و انسان‌های معلول نیز وجود داشته است. در معنای مسکین گفته شده که کسی که هیچ منبع درآمدی ندارد برخلاف فقیر که منبع درآمد دارد، اما کفاف هزینه‌هایش را نمی‌دهد.^{۲۶} به نظر

۲۲. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۷.

۲۳. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۷.

۲۴. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۷.

۲۵. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۸.

۲۶. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن (بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲)، ۴۱۷-۴۶۱.

می‌رسد این تفسیر بهتر و مطابق با قاعده‌ای است که هم مطابق با صدر اسلام و هم منطبق با شرایط کنونی است و شامل مواردی که شحرور گفته است نیز می‌شود.

طبق مطالعه ادبی در مورد معنای غارمین، نویسندگان هیچ معنایی از غریم که شامل بدهی برای جرمه مجازات قتل غیرقانونی باشد، در معاجم لغوی یا تفاسیر نمی‌یابند. تفسیر شحرور نسبتاً جدید و خارج از فهم جریان اصلی است. به نظر می‌رسد تفسیر وی مصداقی است نه مفهومی؛ زیرا غریم بدهکار و مدیون است که این می‌تواند انواع داشته باشد؛ از جمله افرادی که قتل غیرعمد کرده و دیه باید پرداخت کنند و از پرداخت آن عاجزند که تنها شحرور این مورد را بیان کرده است. بنابراین، تفسیر شحرور مضیق نیز است؛ زیرا هرگونه غریمی که ناتوان از پرداخت باشد شامل چک‌های برگشتی، ورشکستگان و افرادی که دیه اعم از قتل غیرعمد و یا نقص عضو و جراحت شده‌اند را نیز شامل می‌شود و شحرور مفهوم «غارمین» را بسیار محدود در نظر گرفته است.

در مورد معنای بیان‌شده از ابن‌سبیل توسط شحرور به نظر می‌رسد استدلال وی با توجه به اینکه احتمال ضرر در سفر بسیار زیاد است، خواه به دلیل ربوده‌شدن یا سرقت، کلاه‌برداری و یا گم‌شدن، قابل توجیه است. این شکل از حوادث می‌تواند در همه‌جا حتی در کشورهای توسعه‌یافته اتفاق بیفتد. بنابراین، کسانی که قربانی راهزنی یا سرقت می‌شوند وارد مقوله زکات مستحق می‌شوند.

۴- بافت موقعیتی محمد شحرور در خوانش از تفسیر آیه ۶۰ سوره توبه

مطابق ادبیات هرمنوتیک گادامر، مفسر برای فهم یک متن باید آن را به موقعیت کنونی خود ارتباط دهد. فهم هرمنوتیکی، موقعیت‌مند و سیاق‌مند است؛ معنایی که یک متن دارد، آن معنا را برای خوانشگر در شرایط جاری دارد. گادامر در این زمینه می‌نویسد: «مفسر نمی‌تواند خود را از افق معنایی خود به درآورد و به آن از بیرون بنگرد و درک کاملی از آن داشته باشد. ما در سنت به سر می‌بریم و از آن متأثریم و فهم و درک ما به همه امور، از تاریخ و سنت متأثر است. پس نمی‌توانیم از سنت بیرون بیاییم».^{۲۷}

اندیشه و تفکر شحرور، آگاهانه یا ناآگاهانه متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان خود است که در نهایت رویکردی زبانی را در تفسیر وی از منابع اسلامی شکل داد. اندیشه

خوانش محمد شحرور درباره دریافت‌کنندگان زکات ... / علایی رحمانی و معتمد لنگرودی ۱۳۵

عقلانی شحرور از مسائل دینی، زمانی خود را بروز داد که او دیدگاه خطیب جمعه پس از جنگ شش‌روزه^{۲۸} را که علت شکست در جنگ را زنان برهنه معرفی کرد، زیر سؤال برد و آن را غیرمنطقی دانست. در مصاحبه‌ای از شحرور پرسیده شد که چه زمانی ایده نوشتن کتاب *الکتاب و القرآن؛ قراءة معاصره* به ذهنش رسید. او پاسخ داد که این ایده پس از حادثه جنگ شش‌روزه به وجود آمد؛ زمانی که خطیب نماز، در اولین خطبه نماز جمعه در مسجد دمشق پس از وقایع جنگ شش‌روزه، توضیح داد که دلیل شکست دولت عرب، زنان برهنه بودند. شحرور این توضیح را رد کرد و تعجب کرد که چرا فاجعه‌ای رخ داده است که خداوند خشمگین شده و مردان را به سبب رفتار زنان مجازات کرده است. بی‌حجابی زنان چگونه می‌تواند علت باشد؟ شحرور با خنده گفت: اگر چنین دلایلی وجود داشته باشد، زنان اسرائیلی بی‌کینی (مایو) می‌پوشند و ما را شکست دادند. در همان روز دوستش نیز به او گفت که واعظی در مسجد مدینه درباره قانون طلاق در اسلام بحث کرده است. از همان روز، شحرور متقاعد شد که ذهنیت و جهان‌بینی جامعه از اسلام اشتباه است و نیاز به تجدیدنظر در شیوه استدلال از منابع دینی را احساس کرد.^{۲۹} به همین سبب، درباره مسائل دینی چون زکات، خمس، حجاب و ... در کتاب *الکتاب و القرآن؛ قراءة معاصره* دیدگاه‌های خود را بیان کرد.

۵- توجه به پیش‌فرض‌های مفسر (خوانشگر)

یکی از شاخصه‌های مهم در بررسی هرمنوتیک گادامر آگاهی متأثر از تاریخ و پیش‌فهم مفسر است. گادامر معتقد است «نه‌تنها کنار نهادن پیش‌فرض‌ها امری مطلوب نیست، بلکه در واقع، ناممکن است و اصلاً فهم و تفسیر بدون دخالت پیش‌داوری‌ها و پیش‌تصورات قابل دسترسی نیست. تلاش برای رهایی از تصورات خودمان در امر تفسیر، نه‌تنها ناممکن، بلکه آشکارا بی‌معنا و نامعقول است. فهم و تفسیر کردن دقیقاً به معنای وارد کردن پیش‌تصورات خویش در فرآیند فهم است».^{۳۰} بدین ترتیب، از نظر گادامر، بازتولید معنای گذشته اساساً ناممکن است، چون جدایی از پیش‌داوری‌ها و اکنون خویش، ناممکن است. فهم جنبه تولید

۲۸. جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ نبردی بود که از ۵ ژوئن تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷ میان اسرائیل و کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن و عراق رخ داده و با پیروزی مطلق اسرائیل به پایان رسید. این نبرد نقطه اوج بحرانی بود که از تاریخ ۱۵ مه تا ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ به درازا انجامید و در آن اسرائیل با شکست ارتش چند کشور عربی قسمتی از خاک آن‌ها را تصرف کرد. این جنگ از رویدادهای غریب و حیرت‌آوری بود که نه‌تنها سیمای عالم را آشفته کرد، بلکه عوارضی که به دنبال داشت، اثرات سیاسی، اقتصادی اجتماعی و روانی غیرقابل انکاری را بر صحنه سیاسی خاورمیانه رقم زد. غلامرضا نجاتی، جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل (تهران: ناصر خسرو، ۱۳۴۷)، ۱۱-۱۲.

29. Andreas Christmann, *The Qur'an, Morality and Critical Reason* (Leiden: Brill, 2009), 510-511.

30. Gadamer, *Truth and Method*, 394.

دارد نه سویه بازتولیدی.^{۳۱}

در مبانی فکری شحرور نیز می‌توان این اندیشه را یافت. با بررسی‌های صورت‌گرفته می‌توان دو پیش‌فرض را در اتخاذ اندیشه تاریخی‌نگری شحرور نسبت به آموزه‌های دینی را یافت: ۱. نظریه فرمالیسم روسی؛ ۲. تأثیرپذیری از جعفر دک‌الباب. در این بخش این موارد تبیین و تحلیل می‌شود:

۱-۵- نظریه فرمالیسم روسی

یکی از شاخصه‌های مهم و اثرگذار در روند خوانش شحرور از منابع دینی، تحصیلات شحرور است. زمانی که شحرور در دهه ۱۹۶۰ میلادی در روسیه تحصیل می‌کرد، جریان نقد ادبی در اروپای بی‌وقفه در حال افزایش بود که از آن به‌عنوان «فرمالیسم روسی» یاد می‌شود. این جریان در دهه ۱۹۲۰ میلادی متولد شد و به‌عنوان واکنشی به جریان پوزیتیویسم قرن ۱۹ ظهور کرد که بر محتوا و ویژگی‌های اجتماعی در اثر (متون) تأکید داشت. در واقع، جریان فرمالیسم روسی در مطالعه ادبیات، رویکردهای تاریخی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی را کنار گذاشتند و بر آثار ادبی صرفاً به‌عنوان ساخت‌های زبانی تمرکز کردند.^{۳۲} پژوهشگران فرمالیست به دلیل تمرکز بر شاخصه‌های عینی در ادبیات، «صورت‌گرا» نام گرفتند.

در میان علاقه شحرور به فلسفه زبان و مطالعات قرآنی، او همچنین تحت تأثیر سنت ساختارگرایی فرمالیست روسی قرار گرفت که در آن زمان اروپا را در بر گرفت. این سنت به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه بر دیدگاه شحرور در ساخت رویکرد تاریخی‌نگری به آموزه‌های دینی اثر می‌گذارد. بنابراین، اصطلاح مناسب برای توصیف رویکرد محمد شحرور نسبت به مطالعه قرآن، «آشنایی‌زدایی» نام دارد.^{۳۳} «آشنای‌زدایی» (Defamiliarization) یکی از نظریه‌های مطرح در اندیشه صورت‌گرایان است که در بررسی متن ادبی از آن استفاده می‌شود. این اصطلاح نخستین بار توسط «ویکتور اشکلوفسکی» (Viktor Shklovsky) در سال ۱۹۱۹ میلادی در مقاله‌ای با عنوان «هنر به‌مثابه تمهید» بیان شد.^{۳۴} به اعتقاد او توانایی هنر در

31. Gadamer, *Truth and Method*, 296.

۳۲. بابک احمدی، ساختار و تأویل متن (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰)، ۴۴.

33. Christmann, "The Form Is Permanent, but the Content Moves: The Qur'anic Text and Its Interpretation(s) in Mohamad Shahrour's Al-Kitab Wa 'l Qur'an," 144.

۳۴. ایرنا ریما مکاریک، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی (تهران: انتشارات آگه، ۱۳۹۴)، ۱۳.

خوانش محمد شحرور درباره دریافت‌کنندگان زکات ... / علایی رحمانی و معتمد لنگرودی ۱۳۷

آشنایی‌زدایی از چیزها و نشان دادن آنها به شیوه‌ای غیرمنتظره نهفته است. کارکرد اصلی هنر، آشنایی‌زدایی است که ادراک حسی ما را دوباره سازمان می‌بخشد و ساختاری جدید به وجود می‌آورد. به باور وی، بخش عمده‌ای از زندگی انسان‌ها بر اساس عادت است و کارکرد اصلی هنر کنارگذاشتن هر شکل از عادت است. هنر همه‌چیز را ناآشنا و مبهم و ادراک حسی را دشوار و دیرپاب می‌کند. در واقع، هنر واقعیتی نو می‌آفریند و موجب می‌شود کنش ادراک حسی در هنر به درازا انجامد.^{۳۵} اشلوفسکی معتقد است هنر رویکردهای ناآشنا و شیوه‌های نامنتظره‌ای برای دیدن فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که در برخورد با اشیاء و چیزها گویی نخستین بار است که دیده می‌شوند.^{۳۶} بنابراین، آشنایی‌زدایی از طریق برجسته‌سازی عناصر زبان، زبان را از قالب‌های خودکار خارج می‌کند تا نحوه کاربست آن جلب توجه کند. بنابراین، هدف اصلی نظریه آشنایی‌زدایی مقابله با «عادت‌سازی» متعارف در شیوه خواندن هنر است تا در نهایت اشیاء بسیار آشنا به‌طور غیرمنتظره‌ای برای خواننده ناآشنا شوند. وجه اشتراک محمد شحرور با فرمالیست‌های روسی و نظریه «آشنایی‌زدایی»، تمایل صریح به تضعیف قوانین تثبیت‌شده در منابع دینی، تفاسیر و آرای فقها و پیشنهاد راه‌های جایگزین با توجه به شرایط زمان معاصر (مدرنیته) است. شحرور تلاش می‌کند روش قدیمی در درک مفهوم قرآن را تغییر دهد و متناسب با شرایط عصر حاضر خوانش جدید به مخاطب ارائه دهد.^{۳۷} تأثیر رویکرد آشنایی‌زدایی نسبت به منابع دینی در تمام آثار شحرور از جمله در فهم وی از مستحقین زکات مشهود است. علاوه بر این، در روش فرمالیست روسی بر زبان‌شناسی با رویکرد قاعده‌مند تأکید می‌شود و تحولات زبانی مورد نظر است؛ اما در تفسیر شحرور قاعده‌مندی دیده نمی‌شود، بلکه یک تفسیر ذوقی شکل گرفته است.

۲-۵- تأثیر جعفر دک‌الباب^{۳۸} بر محمد شحرور

محمد شحرور در کتاب خود مشخص می‌کند که رویکرد زبان‌شناختی او تحت تأثیر جعفر دک‌الباب بوده که او را در جایگاه یک شریک بحث و استاد می‌شناخت. آشنایی شحرور با

۳۵. مهیار علوی مقدم، نظریه‌های نقد ادبی: صورت‌گرایی و ساختارگرایی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱)، ۱۰۵.
۳۶. ریچارد هارلند، درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاتون تا بارت، ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش (تهران: انتشارات چشمه، ۱۳۹۴)، ۲۴۱.

37. Christmann, "The Form Is Permanent, but the Content Moves: The Qur'anic Text and Its Interpretation(s) in Mohamad Shahrour's Al-Kitab Wa 'l Qur'an," 144.

۳۸. جعفر دک‌الباب استاد سابق دانشگاه‌های دمشق و الجزایر و عضو انجمن منتقدان ادبی است. او دارای مدرک دکتری در زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی است و به سبب تألیفات متعددش در زمینه زبان‌شناسی شهرت دارد.

جعفر دک الباب طی ملاقات‌هایی که در کتاب خود بیان کرد، انجام شده است. ملاقات آنها در حوالی سال ۱۹۵۸ در مسکو اتفاق افتاد. وی در آن زمان در رشته مهندسی عمران و جعفر دک الباب در رشته ادبیات عرب در همان دانشگاه تحصیل می‌کرد و در این دوران بود که جلسات فشرده‌ای میان شحرور و جعفر اتفاق افتاد که مملو از بحث و گفت‌وگو در مورد موضوعات مختلفی بود تا آنجا که جعفر در سال ۱۹۸۰ به شحرور اطلاع داد که به زبان‌شناسی، فلسفه و مطالعه قرآن علاقه‌مند است.^{۳۹}

جعفر با مشاهده علاقه زیاد شحرور به زبان‌شناسی و مطالعه قرآن، پایان‌نامه دکترای خود را در توضیح ویژگی ساختار عربی از منظر مطالعات زبان‌شناسی مدرن ارائه داد. پایان‌نامه جعفر، شحرور را برانگیخت تا رویکرد علمی-تاریخی را که در کتابش *الکتاب و القرآن؛ قراءه معاصره* نوشته است، توسعه دهد. در مقدمه کتاب خود از جعفر که از وی خواسته شد تا در مورد رویکرد شحرور توضیح دهد، گفته شد که رویکرد علمی-تاریخی شحرور از سه شخصیت زبانی عرب، یعنی روش زبانی ابوعلی فارسی، ابن جنی و عبدالقاهر جرجانی اخذ شده است.^{۴۰}

تأثیر سه شخصیت زبانی عرب را می‌توان در تحلیلی که شحرور در تفسیر آیه ۶۰ سوره توبه به کار برد، یافت: اول، اصل عدم ترادف ابوعلی فارسی^{۴۱}: شحرور بر اساس این مبنا فرض می‌کند کلماتی که مترادف در نظر گرفته می‌شوند، معانی یا تأکیدات خاصی دارند. به گفته وی، زبان یک پدیده جامعه‌شناختی است که در یک مرحله ناقص است، اما روند تکامل و تغییر را تجربه می‌کند.^{۴۲} این اصل پایه اولیه شحرور در رویکردش به دوگانگی مفاهیم کلیدی مانند قرآن، الکتاب، ذکر و فرقان شد که از این اصل هنگام تفسیر آیه ۶۰ سوره توبه استفاده کرد و با

۳۹. شحرور، *الکتاب و القرآن قراءه معاصره*، ۴۷.

۴۰. شحرور، *الکتاب و القرآن قراءه معاصره*، ۲۰.

۴۱. ابوعلی فارسی از علمای نحو در قرن چهارم هجری است که استاد ابن جنی و عبدالقاهر جرجانی نیز بوده است. وی در لغت، مخالف ترادف و اشتراک لفظی بوده و معتقد بود هر واژه در زبان عربی، معنای خاص خود را دارد. ابن‌انباری در *نزهة الألباء فی طبقات الأدباء* نقل می‌کند در مجلس سیف الدوله ابن‌خالویه اظهار داشت: من برای سیف ۵۰ نام از حفظ می‌دانم. ابوعلی گفت: من جز یک نام برای آن نمی‌شناسم و آن سیف است. گویا تو مهندس، صارم و غیره را نام سیف می‌دانی درحالی‌که آنها صفت برای سیف هستند. عبدالرحمن بن محمد ابن‌انباری، *نزهة الألباء فی طبقات الأدباء* (بغداد: مطبعه معرفت، ۱۹۵۹)، ۲۳۱. ابوعلی در مورد اشتراک لفظی می‌گوید هر لفظ تنها برای یک معنی وضع شده است و جایز نیست یک واژه، بین دو یا چند معنا مشترک باشد. این امر در نتیجه تداخل زبان‌ها و لهجه‌ها به وجود آمده است و گرنه در اصل زبان عربی، چنین چیزی وجود نداشته است. در زبان عربی، هر واژه دارای یک معنی مستقلاً است و بعدها مجازاً در معانی دیگری نیز به کار رفته است و بر اثر کثرت استعمال، معنی مجازی غلبه یافته است. صبحی صالح، *دراسات فی فقه اللغة* (بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۶۰)، ۳۰۳.

۴۲. شحرور، *الکتاب و القرآن قراءه معاصره*، ۲۴.

تفکیک مفهوم زکات و اهداف آن و مفهوم فقیر و مسکین میان آنها تفاوت قائل شد.

دوم، دیدگاه هم‌زبانی یعنی مطالعه نظام زبانی در وضعیتی خاص و بدون در نظر گرفتن زمان. دیدگاه هم‌زمانی کوششی است برای توصیف معنای یک کلمه آن‌گونه که در یک دوره خاص به کار می‌رود، بدون توجه به تحوّل تاریخی آن.^{۴۳} این دیدگاه با بررسی واژگان در ارتباط افقی با سایر واژه‌ها، روابط نحوی جملات را در تحلیل خود قرار می‌دهد. این تحلیل از مکتب زبانی جرجانی درباره کارکرد بلاغت جملات در کتاب *دلایل الإعجاز* گرفته شده است. جرجانی بر رابطه بین ساختارهای واژگان ساده در جملات با کارکرد ارتباطی آنها تأکید دارد. این رابطه باعث می‌شود که کلمه ساده در یک جمله معنا پیدا کند.^{۴۴} شحرور نیز در تفسیر کلمه «الصدقات» به زکات از تحلیل نحوی استفاده می‌کند. وقتی وی روابط کلمه «الصدقات» را با کلمات دیگر، مانند کلمات «الفقراء و المساکین» در آیه توضیح می‌دهد. رابطه کلمه «الصدقات» که مبتدا است با کلمه «فقراء و مساکین» به‌عنوان خبر است و آیه به لحاظ متنی کلمه «الصدقات» را به معنای زکات هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، ترکیب جمله خبر که مضمون زکات است، بیانگر آن است که کلمه «الصدقات» به معنای زکات است.^{۴۵}

شحرور معتقد بود که مفهوم زکات مستحق، آن‌گونه که مفسران کلاسیک می‌فهمند، به دلیل شرایط عینی متفاوت در آن زمان، دیگر مربوط به زمان حال نیست. شحرور در استخراج معنای معاصر از تحلیل هم‌زمانی استفاده می‌کند که بر یک نقطه خاص از زمان تمرکز می‌کند تا معنای معاصر مستحقین زکات را به دست آورد. وی در این چارچوب دید که در شرایط اقتصادی و حکومتی که امروز اجرا می‌شود، ترک چهار طبقه زکات مستحق یعنی فقیر، مسکین، غارم و ابن‌سبیل غیرممکن است.^{۴۶} دو مقوله اول یعنی فقیر و مسکین که شحرور برجسته کرده است، دو موقعیت بسیار متفاوت هستند. از آنجاکه معلوم است او به این اصل پایبند است که در کلمه مترادف وجود ندارد، فرض می‌کند که تا زمانی که این اصطلاح با ترتیب آوایی قابل تشخیص است، کلمه باید معانی خاص متفاوتی داشته باشد. واژگان «فقیر» و «مسکین» از نظر آوایی با هم متفاوت هستند، بنابراین دلالت‌هایی نیز برای معنای خود دارند که در قرآن به‌وضوح مشخص شده است. شحرور پس از تحلیل واژگانی بر روی واژه‌های «فقیر» و «مسکین» به صورت پویا معنای دوم کلمات را اجرا می‌کند. وی در

۴۳. جانان‌تال کالر، فردینان دوسوسور، ترجمه کورش صفوی (تهران: هرمس، ۱۳۷۹)، ۳۷.

۴۴. عبدالقاهر جرجانی، *دلایل الإعجاز* (بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۹۹۷)، ۷۷.

۴۵. شحرور، *الکتاب و القرآن قراءه معاصره*، ۴۷۰.

۴۶. شحرور، *الکتاب و القرآن قراءه معاصره*، ۴۸۶.

معنای «فقراء» بین معنای «فقیر» و وضعیت یتیمان بدون درآمد رابطه می‌بیند و در معنای «مسکین»، کمبود مهارت و شرایط آرامش افراد با نیازهای ویژه را دید که به دیگران وابسته هستند تا بتوانند در دسته «مسکین» قرار گیرند.^{۴۷} طبقه سوم «غارم» است که به معنای افرادی است که بدهکار هستند و معنای ارائه شده توسط شحرور به پرداخت جریمه قتل ناروا گسترش یافته است و طبقه چهارم «ابن سبیل» است به معنای مسافری که در سفر به دلیل دزدیده شدن پول ضرر می‌کند.^{۴۸}

۶- نقد دیدگاه شحرور

نویسندگان از توضیح شحرور در مورد معنای مستحقین زکات سه شکل ناهماهنگی را در رویکرد زبانی وی یافته‌اند. نخست، زمانی که نویسندگان آشکارشدن معانی واژگان «فقیر» و «مسکین» را در معجم مقاییس اللغة دنبال کردند، تنها مفهوم «فقیر» را دریافت کردند.^{۴۹} این موضوع نشان‌دهنده ناهماهنگی شحرور در استفاده از فرهنگ لغت ابن فارس است که وی آن را به دلیل به کار بردن اصل عدم ترادف معتبر می‌داند. همین مسئله سبب شد که نگرش شحرور نسبت به تفسیر آیه سوره توبه، از نظر علمی و روشی از جایگاه مناسبی برخوردار نباشد و پیش از آنکه نظریه‌ای علمی باشد، بیانگر گزینشی بی‌منا و فاقد اصالت علمی است. ثانیاً، شحرور یتیمان را در طبقه «فقرا» قرار داده که حق دریافت زکات دارند. درحالی‌که موضوع یتیمان در قرآن به صراحت با کلمه «یتیم» یا «ایتام» به کار رفته است.^{۵۰} این برخلاف استدلال او در مورد نبود ترادف در کلمات قرآن است. ثالثاً، شحرور دیدگاه هم‌زمانی را که به‌عنوان ساختاری در رویکرد خود می‌شناسد، به‌طور پیوسته به کار نمی‌برد، بلکه با رویکرد تصادفی و مطابق با تفسیرش استفاده می‌کند که در تفسیرش از آیه ۶۰ سوره توبه، زمانی که پویایی معنا را بر معنای «غارم» انجام می‌دهد، دیده می‌شود زیرا شحرور دیه را همان قرض می‌داند که هر دو واجب است. تلاش شحرور برای مطابقت با این تفسیر نیز نادرست است، زیرا بدهی‌های ذکر شده در طبقه «غارم» بدهی‌های مربوط به نیازهای فوری است، نه بدهی‌های ناشی از تحریم‌ها (موارد حرام مانند قتل) یا مجازات‌هایی که باعث جریمه شدن مجرم می‌شود.

۴۷. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۶-۴۸۷.

۴۸. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۶-۴۸۷.

۴۹. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، جلد ۳، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴)، ۴۴۳.

۵۰. الأنعام، آیه ۱۵۲؛ النساء، آیه ۱۰؛ الفجر، آیات ۱۷-۱۸؛ الضحی، آیه ۶؛ الماعون، آیه ۲؛ الأنفال، آیه ۴۱.

علاوه بر این، دیدگاه زبان‌شناسی در زمانی (زبان‌شناسی تطوری) یک دیدگاه تاریخی است. این دیدگاه بر جنبه تکاملی زبان، یعنی مطالعه توسعه آن در طول زمان تمرکز دارد.^{۵۱} شحرور این دیدگاه را از مکتب زبانی ابن جنی اتخاذ کرد. وی در بررسی مفهوم زکات و بررسی توسعه معنایی آن از این دیدگاه استفاده کرد و دریافت که مفهوم زکات در گذشته و پیش از ظهور اسلام مورد استفاده قرار گرفته است، همان‌طور که در قرآن کریم از زبان حضرت عیسی علیه السلام «وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^{۵۲} و حضرت اسماعیل علیه السلام «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»^{۵۳} بیان شده است. سپس شحرور چنین می‌نویسد: «کلمه زکات از ماده «زکو» به لحاظ لغوی به معنای رشد و افزایش، پاک‌کردن و تزکیه است. زکات در معنای عام به معنای رشد و نمو است. مفهوم زکات در اسلام و قبل از اسلام در معنای مصطلح وجود داشته است. در اینجا باید توجه کرد که قرآن در موضوع زکات آن را از نظر کمیّت و نحوه جمع‌آوری باز گذاشته است؛ ولی برای آن حداقل قرار داده است و آنچه از آن فراتر می‌رود، صدقه است، پس اصطلاح صدقه عمومی‌تر از زکات است و از نظر خرج‌کردن زکات را به‌طور دقیق باید تعیین و حدودش را مشخص کرد».^{۵۴} به نظر می‌رسد دیدگاه در زمانی نشان‌دهنده یک تحلیل پارادایمی است. شحرور زمانی که رابطه تداعی میان واژه‌های «صدقه» و «زکات» را با کلمه «ربا» مشاهده کرد، از تحلیل پارادایمی استفاده کرد. نتایج این تحلیل، کاربرد نظریه حدود او را تأیید و اثبات می‌کند که زکات را حداقل برای بخشش دانسته که ممکن است از آن تجاوز کرد و ربا را حداکثر حدّی می‌داند که نباید از آن تجاوز کرد.

توضیح آنکه در نگره فکری شحرور، نظریه حدود یکی از رویکردهای روش اجتهادی است که برای مطالعه آیات محکّمات (آیات حقوقی) استفاده می‌شود. به گفته وی، حدود بیشتر به معنای حدودی است که خداوند تعیین کرده است و نباید از آن تخطی کرد، اما در درون آن یک حوزه اجتهادی قرار دارد که پویا و منعطف است.^{۵۵} وی با ارائه این نظریه تغییرات اساسی در خوانش‌های تفسیری ارائه کرد؛ اولاً، شحرور با نظریه حدود یک تغییر پارادایم بسیار اساسی انجام داده است؛ زیرا تاکنون نظریه حدودی که علمای فقه آن را درک

۵۱. کالر، فردینان دو سوسور، ۳۷.

۵۲. مریم، آیه ۳۱.

۵۳. مریم، آیه ۵۵.

۵۴. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۸۴.

۵۵. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۵۳.

می‌کنند، بیشتر به آیات و روایات حاوی عذاب (عقوبات) معطوف بوده که نمی‌توان آن را کم و زیاد کرد. مثلاً مجازات قطع دست (قطع الید) برای سارقان و مجازات صد ضربه شلاق برای زنای مجرد یا باکره (محصنه). این مجازات‌ها از نظر علمای فقهی پیشین، احکامی هستند که خداوند آن‌ها را به گونه‌ای تعیین کرده است که نمی‌توان آنها را کم یا زیاد کرد.^{۵۶} برخلاف نظریه حدود ارائه‌شده توسط شحرور در فهم آیات حدودی پویا و زمینه‌ای است و نه تنها به موضوع تهدید قانونی (عقوبات) برای قانون‌شکنان مربوط می‌شود، بلکه به مسائل دیگر نیز مربوط می‌شود.

ثانیاً، در نظریه حدود شحرور حداقل (حدّ ادنی) و حدّ حداکثر (حدّ اعلی) وجود دارد و شخص می‌تواند با توجه به حدودی که خداوند تعیین کرده است، مجازات را انتخاب یا تعیین کند. بنابراین، قوانین خدا در واقع کش‌دار (حنیفیه) هستند. به گفته شحرور، محدوده اجتهاد بین حداقل و حداکثر است. جنبه ارتجاعی و انعطاف‌پذیری این قانون را می‌توان مانند فوتبالیستی توصیف کرد که به او آزادی بازی با توپ در زمین داده می‌شود. او می‌تواند به هر سمتی برای ایجاد یک گل حرکت کند تا زمانی که در محدوده تعریف‌شده زمین فوتبال باقی بماند. این امر به مجتهد یا مفسر دامنه حرکتی وسیع‌تری می‌دهد و می‌تواند در وضع قوانین پویاتر و خلاق‌تر باشد تا زمانی که مجتهد یا مفسر در محدوده حدود الله باشد، نمی‌توان او را ترک قانون خدا دانست.^{۵۷}

ثالثاً، شحرور با ارائه این نظریه، روش اجتهاد حقوقی را ساختارشکنی و بازسازی کرده که عمدتاً در آیات حدودی که علما آن را آیات محکّمات دانسته‌اند و حکمشان قطعی و تنها یک تفسیر دارد. در این مورد، شحرور دیدگاه دیگری دارد. از نظر او، آیات محکّمات همچنان به صورت پویا قابل درک است و تعابیر جایگزین فراوانی دارد. همه آیات قرآن دارای تفاسیر بدیل فراوانی هستند و فهم یک آیه می‌تواند همچنان در حال تغییر و توسعه باشد؛ زیرا به گفته وی، تفسیر یک آیه در واقع مطابق با تحولات جاری، امر نسبی است. به عبارت دیگر، شحرور از طریق نظریه حدود خود می‌خواهد آیات محکّمات را به صورت مولد و آینده‌نگر بخواند، نه خواندن تکراری و گذشته‌نگر.^{۵۸}

رابعاً، شحرور می‌خواهد با نظریه حدود ثابت کند که تعالیم اسلامی، واقعاً تعالیمی است

56. Abdul Mustaqim, *Epistemologi Tafsir Kontemporer* (Yogyakarta: LKis, 2010), 310.

57. شحرور، *الکتاب و القرآن قراءه معاصره*، ۴۵۳.

58. Mustaqim, *Epistemologi Tafsir Kontemporer*, 310.

خوانش محمد شحرور درباره دریافت‌کنندگان زکات ... / علایی رحمانی و معتمد لنگرودی ۱۴۳

که مناسب هر عصر و مکانی است. او نظر خود را بر این مبنا قرار می‌دهد که پیام اسلامی که پیامبر اسلام آورده است، پیامی جهانی و پویا است، به طوری که همیشه برای هر عصر و مکانی مناسب خواهد بود. مزیت تعالیم اسلامی این است که دارای دو جنبه حرکت است: حرکت ثابت (استقامت) و حرکت پویا-کشسان (حنیفیه). این ماهیت منعطف در چارچوب نظریه حدود است که شحرور آن را دایره یا مرزهایی می‌داند که خداوند آزادی عمل انسان را در آن قرار می‌دهد.^{۵۹}

نظریه حدود شحرور بسیار پوزیتیویستی به نظر می‌رسد به طوری که نتایج تفسیر آن عاری از ارزش‌های اخلاقی است، زیرا در دام فرمالیسم صرف است.^{۶۰} شحرور از هشت طبقه مستحقین زکات که در آیه معرفی شده است تنها به چهار طبقه توجه کرده است. بنابراین، مفسر در تفسیر قرآن ملزم به رعایت الزامات روش‌شناختی است تا تفسیر روشمند ارائه دهد نه تفسیر ذوقی. همچنین نگرش تاریخی به دین پیامدهای وسیعی در فهم دین دارد که به دلیل حجم محدود مقاله تنها به ذکر آنها بسنده می‌شود: بشری بودن دین، عصری شدن دین، نقدپذیری و خطاپذیری آموزه‌های دین، تنزل دین از موقعیت فرانهادی به نهاد هم‌تراز با نهادهای بشری، افول تدریجی مرجعیت‌های دینی در مشروعیت‌بخشی، انصراف از آموزه‌های وحیانی به سوی دستاوردهای عقلی و نقصان دین، انکار جوهره ثابت برای دین، انکار حقایق مطلق و نفس‌امری دین، انکار الگوهای ثابت و جاودان برای بشر، فقدان قوانین ثابت و همیشگی برای هدایت بشر، لزوم تغییر و تحوّل مستمر و مداوم در دین و در نتیجه متکثر شدن حقیقت دین، عرفی شدن دین و نتیجه این اندیشه عبارت است از: به حاشیه افتادن دین (دین حداقلی)، قداست‌زدایی از دین، شخصی شدن دین و لزوم تطابق دین با مدرنیته.^{۶۱}

یکی از مهم‌ترین اشکالات شحرور در نظریه حدود نسبت آموزه‌های دینی است که نتیجه آن کثرت‌گرایی دینی، اخلاقی، اعتقادی و فرهنگی، رواداری دین در تمام این حوزه‌ها، اعراض از ثبات به تغییر و اعراض از قطع و یقین به نسبت است.^{۶۲} در واقع، استدلال شحرور در دفاع از رواداری دین بر این مبناست که دین امری تاریخی و مدام در حال تغییر است و حقیقت وحیانی مطلق که مردم در گذشته باور داشتند، دیگر نمی‌تواند وجود داشته باشد.

۵۹. شحرور، کتاب و القرآن قراءه معاصره، ۴۴۵.

60. Mustaqim, *Epistemologi Tafsir Kontemporer*, 309.

۶۱. محمد عرب صالحی، تاریخی‌نگری و دین (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱)، ۱۱۳-۱۱۷.

۶۲. عرب صالحی، تاریخی‌نگری و دین، ۱۲۱.

تلاش شحرور به عنوان مصلح دین، تلاشی است برای عصری کردن دین و انجام تغییرات در دین برای اینکه دین بتواند خود را با تمدن متجدد تطبیق دهد. درحالی که دین برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست و استخراج آموزه‌های دین مطابق شرایط نسل مدرن رسالت احیاگر دین است که با تدبیر و تأمل و غور در دریای معارف الهی، گوهرهای متناسب با زمان را اصطیاد و به مخاطب عرضه کند. همان‌گونه که دانشمندان تجربی متناسب با زمان، دست به اکتشاف جدید از دل طبیعت و دنیای مادی می‌زنند.

۷- نتیجه‌گیری

محمد شحرور تفسیر نسبتاً جدیدی از دریافت‌کنندگان زکات ارائه می‌دهد. به عقیده وی، چهار طبقه یعنی فقیر، مسکین، غارم و ابن‌سبیل از دریافت زکات خارج نیستند. شحرور با رویکردی علمی-تاریخی به‌طور پویا معنای فقیر را شامل یتیمان، معنای مسکین را شامل افراد با نیازهای ویژه (معلولان)، معنای غارم را شامل کسانی که در قتل ناروا بدهکار هستند و ابن‌سبیل را مسافرانی که در اثر دزدی خسارت می‌بینند، باز تعریف کرد. ریشه این تفسیر شحرور از آیه ۶۰ سوره توبه، دلالتی از مبانی فکری وی است. رویکرد علمی-تاریخی او در زمان اقامتش در مسکو شکل گرفت، زمانی که معرفت یا منطق غالب آن دوران ساختارگرایی فرمالیست روسی بود.

همچنین رویکرد علمی-تاریخی شحرور تحت تأثیر استاد زبان‌شناسی او جعفر دک‌الباب بود. این رویکرد از سه شخصیت زبان‌شناسی عربی ساخته شده است: عبدالقاهر الجرجانی با مطالعات هم‌زمانی، ابن‌جنی با مطالعات در زمانی، و ابوعلی فارسی با نظریه عدم ترادف که پایه اولیه درک شحرور از آیات قرآن است که در خوانش وی از آیه ۶۰ سوره توبه اثر گذاشته است.

شحرور طبقات مستحقین زکات را به چهار دسته خلاصه کرده است. دیدگاه وی به دلیل استفاده ذوقی، گزینشی و تحدید در معرفی طبقات مستحقین زکات و استنباط غیرعلمی از آیه ۶۰ سوره توبه و بی‌توجهی به منابع لغوی و علمی دیگر، با اشکالات اساسی مواجه است. از این رو، نمی‌توان دیدگاهش را درباره طبقه‌بندی مستحقین زکات حجیت دانست.

خوانش محمد شحرور درباره دریافت کنندگان زکات ... / علایی رحمانی و معتمد لنگرودی ۱۴۵

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد. *نزهة الألباء فی طبقات الأدباء*. بغداد: مطبعة معرفت، ۱۹۵۹.
- ابن فارس، احمد. *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴.
- احمدی، بابک. *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- جرجانی، عبدالقاهر. *دلایل الإعجاز*. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۹۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲.
- زحیلی، وهبه. *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸.
- شحرور، محمد. *الکتاب و القرآن قراءه معاصره*. دمشق: الأهالی للطباعة و النشر و التوزیع، ۲۰۰۶.
- صالح، صبحی. *دراسات فی فقه اللغة*. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۶۰.
- طباطبایی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲.
- عرب صالحی، محمد. *تاریخی نگری و دین*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
- عرب صالحی، محمد. *فهم در دام تاریخی نگری: گادامر و تاریخ مندی فهم*. چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
- علوی مقدم، مهیار. *نظریه های نقد ادبی: صورت گرایی و ساختارگرایی*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- قرطبی، محمد بن احمد. *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- کالر، جانانان. *فردینان دو سوسور*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس، ۱۳۷۹.
- معتمد لنگرودی، فرشته، و فتحیه فتاحی زاده. «ارزیابی دیدگاه محمد شحرور در مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهش های قرآنی* ۲۵، شماره ۹۴ (بهار ۱۳۹۹): ۴۵-۶۶.
- مکاریک، ایرنا ریما. *دانشنامه نظریه های ادبی معاصر*. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: انتشارات آگه، ۱۳۹۴.
- نجاتی، غلامرضا. *جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل*. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۴۷.
- واعظی، احمد. *درآمدی بر هرمنوتیک*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
- هارلند، ریچارد. *درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاتون تا بارت*. ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش. تهران: انتشارات چشمه، ۱۳۹۴.

ب- منابع لاتین:

- Christmann, Andreas. "The Form Is Permanent, but the Content Moves: The Qur'anic Text and Its Interpretation(s) in Mohamad Shahrour's Al-Kitab Wa '1 Qur'an." *Die Welt des Islams* 43, no. 2 (2003): 143-172.
- Christmann, Andreas. *The Qur'an, Morality and Critical Reason*. Leiden: Brill, 2009.
- Gadamer, Hans-Georg. *Truth and Method*, Translated by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall. New York: Continuum, 1994.
- Hirsch, Eric Donald. *Validity in Interpretation*. New Haven and London, United States of America: Yale University Press, 1967.
- Kalle, Puolakka. *Reconsidering Relativism and Intentionalism in Interpretation*. Helsinki: University of Helsinki, 2009.
- Mustaqim, Abdul. *Epistemologi Tafsir Kontemporer*. Yogyakarta: LKis, 2010.
- Weberman, David. "A New Defense of Gadamer's Hermeneutics." *Philosophy and Phenomenological Review* 60, no.1 (January 2000): 45-65.